بصیرت امام
۲۱
فانوس
در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی/شماره بیست و یکم/بهار ۱۳۹۴



سبک روضه فاطمیه

گفتاری از حجت‌الاسلام‌والمسلمین
جعفر واضحی آشتیانی (زیدعزه)

فانوس - در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی - شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۴

سبک روضه فاطمیه

گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین جعفر واضحی آشتیانی(زیدعزه)

ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر

طراح نامواره: علی ناصری

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش، نذر سالار شهیدان)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر

نشانی: قم، بلوارامین،کوچه۱۰،پلاک۲۰

تلفکس: ۵۱ ۸۹ ۹۲ ۳۲ ـ ۰۲۵

کدپستی: ۳۷۱۵۱ ـ ۳۷۱۶۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

رایانامه: info@۱۵۴۲.org



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

مرثیه وسیله تقرب

یکی از مهمترین وسایل قرب به خداوند، یکی از بزرگترین نشانه‌های توحید و شعائرالله و یکی از مصادیق مهم مودت و محبت نسبت به قربای نبی اعظمﷺ، اقامه عزاء، بکاء و گریه بر اهل‌بیتﷺ مخصوصا عزاداری بر سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسینؑ و مادر بزرگوارشان حضرت صدیقه کبریؑ می‌باشد و اثبات این مدعا، هم بر اساس آیات قرآن و هم احادیث نورانی ائمهﷺ و هم سیره معصومینﷺ به آسانی امکان‌پذیر است که به بعضی از موارد اشاره می‌شود.

مرثیه در قرآن

آیات قران پیرامون عزاداری به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱-آیاتی که دلالت بر جواز یا رجحان عزاداری می‌کنند مثل آیه ۲۳ ســـوره مبارکه شـــوری که فرمود: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی» ای پیامبر به مردم بگو بخاطر زحماتی که برای هدایت شما

کشیده‌ام اجر و پاداش از شما درخواست نمی‌کنم مگراینکه خداوند مودت نسبت به قربای مرا بر شما واجب فرموده است، همانگونه که لغویین نوشته‌اند: مودت اظهار علاقه شدید به کسی نمودن است که در واقع اظهار علاقه همراه با تبعیت و تسلیم در مقابل دستورات نزدیکان نبی اعظمﷺ است و بر اساس روایات فریقین مراد از نزدیکان پیغمبر امیرالمومنین و فاطمه زهرا و فرزندان این دو بزرگوار علیهم صلوات المصلین می‌باشند بر این اساس اقامه عزاداری یکی از مصادیق مودت نسبت به قربای پیامبرﷺ می‌باشد.

۲- آیاتی که خودش یک نوع عزاداری و مقتل‌خوانی به حساب می‌آید یعنی قرآن خودش مرثیه‌خوانی کرده است این آیات در واقع جواب کسانی است که به مسلمین مخصوصا شیعیان ایراد می‌گیرند که به چه مجوز شرعی مرثیه‌خوانی و اقامه عزا می‌کنید در جواب می‌گوییم مرثیه‌خوانی می‌کنیم چرا که خود قرآن مرثیه‌خوانی کرده است برای نمونه به آیات ۴ تا ۷ سوره بروج دقت کنید که می‌فرماید «قتل اصحاب الاخدود، النار ذات الوقود، اذ هم علیها قعود، و هم علی ما یفعلون بالمومنین شهود» قرآن می‌فرماید: مرگ بر صاحبان خندق‌های پر از آتش شعله‌ور و سوزان، خندق‌هایی که صاحبانشان کنار خندق نشسته بودند و بلاهایی را که بر سر مؤمنین آورده بودند، نظاره‌گر بودند. کتب تاریخی نقل کرده‌اند: بعد از ظهور حضرت عیسیؑ و دین مسیحیت یکی از پادشاهان یمن شخصی بود به نام «ذونواس»، با اینکه دین رسمی کشورش مسیحیت بود لکن با ملاقات‌هایی که بعض بزرگان و متجاوزان یهود با او داشتند و همچنین با غرور و خودخواهی که در وجود این پادشاه بود دین رسمی کشور یمن را به یهودیت تغییر داد مردم یمن نسبت به تغییر دین به دو دسته تقسیم شدند عده کثیری که دغدغه دین و اعتقادات نداشتند تسلیم شده و خود را با تغییر وضعیت کشورشان تطبیق دادند به زندگی عادی و دنیایی خود ادامه دادند ولی عده نسبتا کمی که اعتقاداتشان از همه چیز برایشان مهم‌تر بود تسلیم خواسته‌های باطل پادشاه نشده و از دستور حکومت سرپیچی و امتناع کرده و ساز مخالفت سر دادند لذا ذونواس تصمیم گرفت این گروه را کیفر کرده و به سزای مخالفت‌شان برساند از همین‌جا بود دستور داد خندق‌هایی به مساحت یکصد و بیست متر مربع آماده و از هیزم شعله‌ور و سوزان پر کرده، اهل ایمان را به دو دسته تقسیم نموده، گروهی را اول کشته و سپس پیکرهای آنها را به داخل خندق انداخته و می‌سوزاندند و گروه دیگری را هم زنده به خندق انداخته و در حالیکه مؤمنین در آتش می‌سوختند ذونواس و درباریانش نظاره‌گر جنایات هولناکی بودند که خود به پا کرده و مرتکب شده بودند، قرآن از بخشی از این جنایات پرده‌برداری کرده و به رشته تحریر درآورده است و همچنین به بخشی از مقتل و مرثیه مؤمنین اشاره

قرآن خودش مرثیه‌خوانی کرده است این آیات در واقع جواب کسانی است که به مسلمین مخصوصا شیعیان ایراد می‌گیرند که به چه مجوز شرعی مرثیه‌خوانی و اقامه عزا می‌کنید در جواب می‌گوییم مرثیه‌خوانی می‌کنیم چرا که خود قرآن مرثیه‌خوانی کرده است

می‌فرماید به طوری‌که به خوبی مشاهده می‌شود چقدر شباهت بین این جملات با جملاتی است که حضرت زینب با دیدن بدن غرقه به خون برادر خطاب به جد بزرگوارش نبی اعظمﷺ عرضه می‌دارد: «وا محمداه صلی علیك ملیك السماء هذا حسین مرمل بالدماء مقطع الأعضاء و بناتك سبایا إلی الله المشتکی و إلی محمد المصطفی و إلی علي المرتضی و إلی حمزة سید الشهداء وا محمداه هذا حسین بالعراء»[1] همانگونه که به این جملات مرثیه صدق می‌کند به آیات ذکر شده هم مرثیه صدق می‌کند چرا که هر دو عبارت و لو اینکه خبر از حادثه‌ای می‌دهند اما نقل گوشه‌هایی از مقتل و مرثیه به حساب می‌آیند اگر کسی اشکال کند که خبر دادن خداوند چه ربطی به مرثیه‌خوانی دارد در جواب گفته می‌شود درست است که قرآن کتاب قصه نیست اما یکی از اسلوب‌های قرآن در انتقال معارف به بندگانش استفاده از قصه است و در مرثیه هم همین ادعا را میتوان کرد که یکی از اسلوب‌های قرآن در انتقال معارف نقل مرثیه است ولو قرآن کتاب مرثیه نیست.

روایات اهل‌بیتﷺ

اما روایات نورانی اهل‌بیتﷺ پیرامون عزاداری به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- روایاتی که تشویق به تشکیل هیئت و محفل مذهبی می‌کنند در پاسخ کسانی که می‌گویند تشکیل هیئت در منازل و مساجد بر چه اساسی صورت می‌گیرد مثل روایت زیبایی که از علی بن موسی الرضاﷺ نقل شده و در بخشی از آن می فرمایند: « ... من جلس مجلسا یحیی فیه امرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب»[2] کسی که در مجلسی بنشیند که معارف ما در آن مجلس زنده می‌شود در روز قیامت که همه دل‌ها مرده‌اند او دل‌زنده خواهد بود که حضور و نشستن در مجلس موضوعیت دارد.

۲- روایاتی که راجع به ارزش و اهمیت و ثواب بکاء و گریستن بر اهل‌بیتﷺ صادر گردیده‌اند که این نمونه روایات بسیار زیاد است و در این سطور نمی‌گنجد.

۳- روایاتی که اهل‌بیت خود به مرثیه خوانی پرداخته و مقتل خوانده‌اند که بعنوان نمونه میتوان به جملاتی که امام رضاﷺ به ریان‌بن شبیب فرمودند اشاره کرد: «یا ابن شبیب إن کنت باکیا لشیء فابک للحسین‌بن علی‌بن ابی‌طالبﷺ فإنه ذبح کما یذبح الکبش»[3] در این فراز امام رضاﷺ به نحوه بریده شدن سر امام حسینﷺ تصریح می‌فرماید، بر این اساس کدام مرثیه از مرثیه تصریح شده توسط امام رضاﷺ جانسوزتر است و این خود بهترین شاهد نه تنها بر جواز، بلکه بر رجحان عزاداری بر اهل‌بیتﷺ است و حتی از مرثیه‌خوانی اهل‌بیتﷺ مهم‌تر و بالاتر مرثیه‌خوانی خداوند برای عترت پیامبر اســـت مثل روایتی که از امام صادقﷺ نقل گردیده است که

می‌فرماید: پیامبر در شب معراج از خداوند شنید که ما تو را به سه چیز از جمله کشته شدن عترتت توسط امتت امتحان می‌کنیم سپس خداوند به چگونگی شهادت هر یک از آل عباء تصریح می‌کند و بخشی از مقتل حضرت امیر و حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام را بیان می‌فرماید مثلا در مورد حضرت زهرا می‌فرماید: «أَمَّا ابْنَتُكَ فَتُظْلَمُ وَ تُحْرَمُ وَ يُؤْخَذُ حَقُّهَا غَصْباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَ تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ وَ يُدْخَلُ عَلَى حَرِيمِهَا وَ مَنْزِلِهَا بِغَيْرِ إِذْنٍ ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانٌ وَ ذُلٌّ ثُمَّ لَا تَجِدُ مَانِعاً وَ تَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ وَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ قَالَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَ سَلَّمْتُ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ وَ الصَّبْرُ»[۴] کدام مقتل از این مقتل سوزناک‌تر است بنا بر این اقامه عزا بر معصومین علیهم السلام در قرآن و حدیث تایید شده و از افضل وسایل تقرب به خداوند به حساب می‌آید.

شروط تقرب به‌واسطه مرثیه

باید توجه داشت که مهم‌ترین شرط برای اینکه یک کار یا عمل به عنوان وسیله تقرب به خداوند قرار گیرد آن است که برای خدا باشد، اگر عمل برای خدا نباشد هم ارزش معنوی ندارد و هم برکت از آن عمل گرفته می‌شود و وقتی عمل برای خدا شد یعنی عمل عبادی شده و عبادت می‌شود با توجه به این مقدمه عزاداری عمل عبادی محسوب می‌گردد، وقتی عمل عبادی شد حداقل باید دو ویژگی داشته باشد و آن دو ویژگی عبارت است از:

۱ – مکلف باید در انجام عمل اخلاص داشته و با نیت پاک انجام دهد و اگر خالصانه نباشد عمل او هیچ ارزشی ندارد از همین جهت چون عزاداری عمل عبادی است باید عزادار در اقامه آن نیت پاک داشته باشد.

۲ - تمام مقدمات، شرایط، خصوصیات و تعیین حد و حدود عمل عبادی از اختیار و عهده بشریت خارج بوده و فقط باید توسط شارع مقدس مشخص گردد مثلا نماز که یک عمل عبادی است تمام خصوصیاتش مثل وقت انجام نماز یا ارکان آن یا واجبات و مستحبات و ... توسط شارع تعیین می‌گردد، در عزاداری هم به همین صورت است یعنی چون عمل عبادی است، باید خدا و رسول و اهل‌بیت علیهم السلام محدوده آن را تعیین نمایند و افراد نمی‌توانند با اعمال سلائق شخصی محدوده آن را مشخص کنند. بله اگر در مواردی شارع سکوت کرده و تعیین حدود نفرموده برگزارکنندگان می‌توانند بر اساس نظر و سلیقه خود اقدام نمایند البته به شرط آنکه با مبانی دینی و اعتقادی منافات نداشته و ترک واجب یا انجام حرام در پی نداشته باشد و اکنون که در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم تعیین محدوده و شرایط و آداب عزاداری به عهده و وظیفه فقهاء و مراجع اعلم شیعه با استنباط از منابع چهارگانه دین می‌باشد کما اینکه در انجام تمام احکام الهی و تکالیف شرعی با تقلید از بزرگان شیعه هر فرد مسلمان بری‌ء الذمه می‌گردد.

پیامبر در شب معراج از خداوند شنید که ما تو را به سه چیز از جمله کشته شدن عترتت توسط امتت امتحان می‌کنیم سپس خداوند به چگونگی شهادت هر یک از آل عباء تصریح می‌کند

تقلید در احکام عزاداری

در این رابطه سوالی مطرح است که در تعیین محدوده عزاداری پاسخ به این سوال راه‌گشا و تعیین‌کننده است و آن سوال این است که در تقلید از مرجع اعلم آیا در تمام احکام شرعی بر مقلد واجب است از مرجع اعلم منتخب خود تقلید کند و یا در بعضی از مسائل و احکام خاص بر او واجب است به مرجع دیگری رجوع نماید و یا حتی می‌توان ادعا کرد بعضا حق ندارد به فتوای مرجع خود و لو اعلم باشد عمل نماید؟ جواب آن است که در تمام مسائل شرعی واجب است به فتاوای مرجع خود عمل نماید مگر در دو مورد که نه تنها نمی‌تواند از مرجعش تقلید نماید بلکه لازم است به فتوا و نظر فقیه اعلم دیگری عمل کند:

مورد اول: اگر یکی از فقهاء اعلم در موردی یا موضوع خاصی حکم کند در این موارد بر مقلدین تمامی مراجع تقلید واجب است به حکم او تن داده و عمل نمایند و بر اساس نظر عده‌ای فقهاء حتی مراجع دیگر هم باید به نظر مرجع حکم‌کننده عمل کنند مگر اینکه مکلفی قطع پیدا کند حکم فقیه حاکم درست نیست مثل اینکه فقیه اعلم می‌گوید من حکم می‌کنم فردا روز سی‌ام ماه مبارک رمضان است و حال آنکه شخص خودش ماه را رؤیت کرده است.

مورد دوم: در مواردی که دو شرط محقق شده باشد یکی اینکه فقیه اعلمی حاکم باشد و اگر حاکمیت فقیه نبود یکی از فقهاء اعلم نسبت به فقهاء دیگر در جهان اسلام از شهرت و نفوذ کلام بیشتری برخوردار باشد یعنی پرچم و علم شیعه به دست او باشد و دوم اینکه تکلیفی که می‌خواهد انجام شود از مقولات اجتماعی به حساب آید مثل قوانین مربوط به مالیات یا قوانین راهنمایی و رانندگی که چون از مقولات اجتماعی‌اند در عمل به آنها تبعیت از یک مرجع لازم است نه تبعیت از تمام مراجع عظام. آنچه مورد ادعاست این است که در هر موردی دو شرط مذکور محقق گردد تبعیت از مرجع تقلیدی واجب است که حاکم یا پرچم‌دار باشد با توجه به این مطالب باید گفت مقوله عزاداری دقیقا از جمله همین موارد است که این دو شرط محقق گردیده یعنی عزاداری هم از مقوله‌های اجتماعی است و هم قطع نظر از حکومت فقیه، یکی از فقهاء، اعلم، پرچم‌دار و علمدار است لذا در عزاداری لازم است بر اساس نظر فقیه پرچم‌دار عمل گردد.

ادله تبعیت از فقیه پرچم‌دار در مسئله عزاداری

اما شواهد و ادله این مدعا چیست؟ در پاسخ به این سوال حداقل سه دلیل می‌توان اقامه کرد: ۱- دلیل عقلی ۲- دلیل شرعی ۳- سیره معصومین﵈ اما دلیل عقلی آن است که اگر بنا شود در مقولات اجتماعی هر مقلد

به فتوای مرجع خود عمل نماید نظم اجتماعی جامعه به هم ریخته و بی‌عدالتی گسترش پیدا می‌کند فرض کنید اگر مرجع بزرگواری مالیات را واجب نداند و مرجع دیگر واجب بداند یا مرجعی عبور از چراغ قرمز را حرام نداند و مرجع دیگری حرام بداند و بنا بر این گذاشته شود هر مقلد به فتوای مرجع خود عمل کند در آن صـــورت چه بی‌نظمی و بی‌عدالتی عظیمی اتفاق خواهد افتاد و مـــردم برای فرار از پرداخت مالیات چه اقداماتی خواهند کرد و یا اگر در رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی هر مقلد به فتوای مرجع خود عمل کند برای تخلف در رانندگی چه بی‌نظمی در شهر و خیابان به وجود خواهد آمد در این مواقع است که بدون تردید عقل حکم می‌کند به جهت رعایت عدالت و جلوگیری از بی‌نظمی و بی‌عدالتی لازم است به یک شاخص رجوع شده و به نظر یک فقیه عمل شود قطعا کسی که حاکم است یا شهرت بیشتر دارد و در محدوده اعلمیت قرار دارد از دیدگاه عقل أولی به تبعیت اســـت اما دلیل شرعی که تایید کننده همان دلیل عقلی است فرمایش صدیقه کبری، حضرت زهرا﵄ اســـت، حضرت، بعد از رحلت و شهادت پدر بزرگوارش در دفاع از جانشینی امیرالمومنین﵇ سخنرانی مهمی در مسجد ایراد فرمودند که در منابع معتبر هم ثبت گردیده است از جمله مرحوم مجلسی نقل می‌کند که عبدالله‌بن‌حسن از آبائش نقل می‌کند که حضرت زهرا﵄ مقنعه و چادرش را بر خود پیچید همراه با گروهی از یاوران، خدمتکاران و نزدیکان که دور حضرت حلقه زده بودند و در حالی که بلندی لباس بانوی دوسرا به زمین کشیده می‌شد به سمت مسجد حرکت کردند و راه رفتن حضرت شبیه راه رفتن پدرشان بود به مسجد وارد شدند و در حالیکه مسجد مملو از جمعیت بود پرده‌ای بین مردم و حضرت﵄ نصب گردید و حضرت سخنرانی خود را با ناله‌ای حزین و سوزناک آغاز کردند «ثم آنَت أنتن اجهش القوم لها بالبکاء»[۵] چنان ناله جانسوزی زدند که ناگهان جمعیت شروع به گریه کردند «فارتج المجلس» و مجلس بهم ریخت و متشنج شد تا لحظاتی سکوت فرمودند تا مردم صدایشان آرام گرفت سپس با ستایش خداوند آغاز کرده و نام پیامبر را آوردند که دوباره صدای گریه جمعیت بلند شد سپس حضرت ادامه دادند «الحمدلله علی ما انعم و له الشکر علی ما الهم والثناء بما قدم، من عموم نعم ابتداها و. . .»[۶] مباحثی مهم پیرامون توحید، صفات خداوند، فلسفه بعثت پیامبر اعظمﷺ، کارهایی که پدرشان کردند و ... مطرح کردند تا اینکه فرمودند: «فجعل الله الایمان تطهیرا لکم من الشرک و الصلاه تنزیها لکم عن الکبر و الزکاه تزکیه للنفس و نماءا فی الرزق و الصیام ... . . و طاعتنا نظاما للمله و امامتنا امانا من الفرقه و ... . . »۷ حضرت زهرا﵄ بعد از آنکه

در عـــزاداری چون عمل عبادی است، باید خدا و رسول و اهل‌بیت﵈ محدوده آن را تعیین نمایند و افـــراد نمی‌توانند با اعمال ســـلائق شخصی محدوده آن را مشخص کنند.

می‌فرماید خداوند ایمان را برای پاک شدن بندگان از شرک و بت پرستی و نماز را برای دور شدن از کبر و غرور و زکات را به جهت پاک شدن نفس و ازدیاد روزی قرار داد و ... . و خداوند اطاعت ما را واجب فرمود که ملت‌ها و جوامع با اطاعت از ما شکل گرفته و منظم شوند و همچنین ما را پیشوا و امام امتها قرار داده تا با تسلیم در مقابل ما از تفرقه و پراکندگی جلوگیری گردد، خطاب حضرت، به مردم مدینه است (بعد از آن که علی‌ؑ را کنار زده‌اند) ای مردم مدینه می‌دانید که نبی اعظمﷺ، علی‌بن ابی‌طالبؑ را از طرف خداوند به عنوان جانشین و پرچم‌دار بعد از خود منصوب و معرفی فرمود تا منادی وحدت بوده و امت را از تفرقه حفظ کند، کنار زدن علی‌ؑ و تن ندادن امت پیغمبر به اطاعت ما و امامت علی‌بن‌ابی‌طالبؑ نه تنها عامل وحدت نیست بلکه عین تفرقه است چرا که شما مردم، علمدار و پرچم‌دار وحدت مسلمین را کنار زده‌اید و منادی وحدت را خانه‌نشین کرده و مخالفت امر او نموده‌اید. بعد از بیان و روشن شدن فرمایش حضرت زهراؑ سوال این است که در عصر حاضر یعنی زمان غیبت کبری که نه وجود مبارک امام زمانؑ ظاهرند و نه نائب خاص از طرف ایشان معرفی گردیده بلکه تنها فقهاء عظام اعلم، عادل، مدیر، مدبر، شجاع، مخالف هوای نفس و ... به عنوان نائبان عام حضرت حضور دارند (و البته که این نیابت عامه هم به انتصاب عمومی خود حضرت می‌باشد که در مقبوله فرموده‌اند: «وَ فِي كِتَابِ إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمْرِيَّ أَنْ يُوصِلَ لِي كِتَاباً قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلَتْ عَلَيَّ فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ ع أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرْشَدَكَ اللَّهُ وَ ثَبَّتَكَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعَمْرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ عَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ فَإِنَّهُ ثِقَتِي وَ كِتَابُهُ كِتَابِي»)[۸] در انجام تکالیفی که جنبه عمومی دارند و نمی‌توان به نظر همه مراجع عمل کرد وظیفه مکلفین چیست و چه باید کرد؟ اینجاست که باید پرسید با توجه به فرمایش حضرت زهراؑ که فرمودند خداوند امامت ما را برای در امان بودن جامعه اسلامی از تفرقه قرار داده است بهترین راهکار برای جلوگیری از پراکندگی و تفرقه چیست؟ آیا با رجوع به تمام مراجع از تفرقه جلوگیری می‌گردد یا به تفرقه دامن زده می‌شود؟ قطعا جواب خیر است و حال آنکه اگر به فقیه واحد رجوع گردد مسلما امت اسلام به وحدتی که فاطمه زهراؑ برای آن فریاد کشیدند و جان دادند خواهد رسید و بر همین اساس باید ملتزم شد که با رعایت احترام به تمامی مراجع شیعه که مایه افتخار شیعه‌اند، ذخیره شیعه هستند و شیعه به واسطه آنها زنده است و همین بزرگواران هستند که احکام شریعت

و معارف دین را برای مسلمین تبیین فرموده و می‌فرمایند لکن وظیفه این است که به نظر مرجع و فقیهی عمل کنیم و تسلیم شخصی شویم که پرچم شیعه به دست او باشد و علمدار است کما اینکه در طول غیبت کبری بزرگان شیعه بر همین اساس عمل می کردند. بله در زمانی که یک فقیه به عنوان تنها مرجع اعلم مطرح بود و شهرت داشت مثل زمان مرحوم آیت الله العظمی بروجردی وظیفه مشخص و تکلیف معلوم بود لکن امروزه با توجه با کثرت مراجع اعلم باید تابع شخصی شویم که از شهرت و نفوذ کلام بیشتری نسبت به مراجع دیگر در بین مسلمین برخوردار باشد البته این به آن معنا نیست که مرجع اعلم و اشهر نماینده خاص امام زمان‌ﷺ است و یا آن مرجع معصوم است و یا اینکه گفته شود آن مرجع دارای علم غیب است و یا بدون خطا و اشـــتباه است کما اینکه این خصوصیات نسبت به مراجع دیگر هم صادق است که هیچ مرجع بزرگواری معصوم نیست و عالم به غیب هم نیست و بریء از اشتباه و خطا هم نیست بلکه این تبعیت از مرجع پرچم‌دار از باب این است که عزت و عظمت شیعه بیشتر به دست اوست، اوست که با نفوذ کلامش می‌تواند در وحدت شیعیان و نهایتا در عزت دادن به شیعه کمک محوری نماید و این همان نکته‌ای است که حضرت زهراﷺ به آن تصریح فرموده است البته از این مطلب هم نباید غفلت کرد که این تفکر نظر به این ندارد که همه مردم از مرجع علمدار و پرچم‌دار تقلید کرده و از دیگر مراجع تقلید نکنند بلکه برعکس این تفکر اصرار دارد که مردم از هر مرجعی که با تحقیق اطمینان به اعلمیت او پیدا کرده اند تقلید نمایند و فقط در احکام و تکالیفی که از مقولات اجتماعی به حساب می آید به استناد فرمایش نورانی صدیقه کبریﷺ یعنی به جهت جلوگیری از تفرقه به فتوای مرجع مشـــهورتر و پرچم‌دار عمل نمایند والســـلام. اما دلیل ســـوم در اثبات مدعا، سیره معصومینﷺ اســـت مثلا امیرالمومنینﷺ در زمان پیامبر اکرمﷺ تمام کارهایشان را با اذن از ایشان انجام می‌دادند با اینکه خودشان از مقامات علمی و معنوی مثل خود پیامبر خداﷺ برخوردار بودند و یا اباعبدالله الحسینﷺ در زمان امامت برادرشان امام حسن مجتبیﷺ بدون اذن ایشان در کاری دخالت نمی‌کردند و حتی کمتر سخن می‌فرمودند و یا حضرت اباالفضلﷺ در طول مدت عمر شریفشان شاید بتوان مدعی شد به غیر از یک مورد در هیچ مورد دیگری کلامی از ایشـــان صادر نشـــده است که سخنی و یا دستوری به مردم فرموده باشـــند و این نیســـت مگر به جهت آنکه وقتی امام حســـنﷺ و امام حسینﷺ پرچم‌دار هستند اباالفضـــلﷺ به خود اجازه نمی‌دهد که کلامی بگوید و نظری بدهد و یا نصیحتی بکند این‌ها همه ســـیره اهل‌بیتﷺ است که در مقابل پرچم‌دار و علمدار زمان، باید تسلیم بود و آیا غیر از این بوده که به مسلمین این

عـــزاداری هم از مقوله‌های اجتماعی است و هم قطع نظر از حکومـــت فقیه، یکی از فقهاء، اعلم، پرچم‌دار و علمدار است لذا در عزاداری لازم است بر اساس نظر فقیه پرچم‌دار عمل گردد.

درس را بدهند که به جهت جلوگیری از تفرقه باید مطیع شخصیت واحدی شد؟ اینها شواهد و قرائن محکمی است بر اینکه در مسئله عزاداری باید به فقیه پرچم‌دار رجوع کرد. حال اگر کسی فقیه علمدار را کنار زد چه ثمره‌ای دارد آیا باعث تفرقه در جامعه شیعه نمی‌شود؟ آیا خدمت به شیعه است؟ آیا شیعه از تفرقه در امان می‌ماند؟ به نظر مخالفین این مدعا آیا تضعیف کردن شخصیتی مثل سید حسن نصرالله در لبنان به مصلحت شیعه است؟ آیا عزت شیعه است؟ یا قطعا خیانت به شیعه است؟ با اینکه سید حسن نصرالله نه معصوم است نه علم غیب دارد و نه نائب امام زمان﷿ است پس به چه دلیلی باید از او حمایت کرده و او را دعا کرد؟ جواب آن است که چون پرچم‌دار شیعه است و او کسی است که شجاعانه در مقابل دشمن دیرینه اسلام و مسلمین یعنی صهیونیســـت، سینه سپر کرده است. آقای نصرالله در منطقه لبنان و فلسطین لکن در مقیاس خیلی بزرگ‌تر و وسیع‌تر یعنی در جهان اسلام، رهبر فرهیخته و فرزانه انقلاب به عنوان علمدار و پرچم‌دار از نفوذ کلام زیادی برخوردار هستند، احترامی که خیلی از شیعیان و بسیاری از اهل سنت در سراسر عالم برای ایشان قائل‌اند، گویای آن است که در عرصه جهانی رهبر معظم پرچم‌دار می‌باشند و این عنوان ربطی به حاکم بودن ایشـــان ندارد یعنی ولو حکومت اسلامی نبود باز ایشان به عنوان پرچم‌دار مطرح است چرا که از نفوذ کلام بیشتری نسبت به مراجع دیگر برخوردار هستند و همین سبب می‌شود که در موضوعاتی مثل عزاداری با توجه به ادله ذکر شده لازم است مقلدین تمام مراجع از فتاوای رهبری تبعیت نموده و به نظر ایشان عمل نمایند. روشن است که عزاداری کما اینکه قبلا ذکر شد عبادت است و مانند تمامی عبادات دیگر بدون حد و حدود نیست بلکه محدوده دارد و تعیین‌کننده محدوده اقامه عزاداری رهبری فرزانه انقلاب می‌باشند، لازم است در این موارد با استفتاء از ایشان در حد و حدود عزاداری مراعات شود

امور اتفاقی و اختلافی عزاداری

البته موارد عزاداری دو دسته است:۱- امور و مواردی که بین مراجع اختلاف نیست بلکه همه بزرگواران قبول داشته و در روایات هم به موارد تصریح گردیده است ۲- امور و مواردی که بین مراجع معظم اختلاف است لکن در این موارد فتاوای رهبری ملاک و نافذ اســـت. بعضی از موارد را از باب نمونه ذکر می‌نماییم مثلا در اینکه تمام ماه محرم ماه عزاست همه مراجع قبول دارند کما اینکه از روایت امام رضا﵇ هم استفاده می‌شود که فرمود: «ان المحرم شهرکان اهل الجاهلیه یحرمون فیه القتالـــ فاستحلت فیه دماؤنا و ... . فعلی مثل الحسین فلیبک الباکون ... . ماه محرم ماهی است که مردم زمان جاهلیت جنگ را در آن حرام می‌دانستند

اما (بعد از ظهور اسلام) ریختن خون ما در محرم حلال شد و ... پس بر مثل حسین گریه‌کنندگان باید گریه کنند. . .» [۹] از آنجا که حضرت رضاؑ روز و یا ایام خاصی از ماه محرم را به عنوان عزاء تعیین نفرموده‌اند لذا ظاهرش این است که تمام محرم را قصد فرموده‌اند و یا اصل پوشیدن لباس مشکی در عزای امام حسینؑ که در روایات وارد شده از جمله فرمایش نبی مکرمﷺ به أسماء، همسر جعفربن ابی‌طالب که بعد از شهادت همسرش جعفر، در منزل ایشان حاضر شده و دستور به پوشیدن لباس مشکی به او دادند و یا طعام دادن و سفره انداختن در عزای امام حسینؑ در روایات وارد شده کما اینکه فرزند امام زین‌العابدینؑ نقل می‌کند که زنان بنی هاشم لباس مشکی به تن کرده و از گرما و سرما شکایت نمی‌کردند و امام سجادؑ هر روز برای عزایشان، طعام آماده می‌کردند و مواردی از این قبیل که هم در روایات است و هم نوعا همه مراجع قبول دارند در این موارد تکلیف روشن و آسان است اما مواردی هم هست که اختلافی است از جمله قمه‌زدن در عزای امام حسینؑ یا اینکه برای هر یک از معصومینؑ چه مدت اقامه عزا مناسب است مثلا ایام فاطمیه چند روز است؟ دیده می‌شود گروهی دو ماه اقامه عزا برگزار می‌کنند و گروهی چهل روز و گروهی بیست روز و ... و یا آیا برگزاری دهه به عنوان ایام صادقیه یا کاظمیه یا ... مناسب یا جائز است؟ و یا پوشیدن لباس مشکی حدش چیست؟ و یا محل عزاداری باید کجا بوده و چه شرایطی دارد و از این موارد که کم نیست لکن حد و محدوده آن مشخص نبوده و متاسفانه سلیقه‌ای عمل شده و یا بعضا بدون توجه به در نظر گرفتن وحدت شیعه به فتوای مراجع غیر رهبری معظم عمل می‌شود و حال آنکه اگر بدین منوال و روش ادامه داده شود قطعا تبعات منفی در پی خواهد داشت. از جمله تبعات منفی در این مسئله اینکه نسل‌های بعدی که نمی‌دانند این مناسبت‌ها را نسل امروز تاسیس کرده چه بسا تصور کنند از زمان اهل‌بیتؑ پایه‌گذاری گردیده و همین عمل خود یک نوع بدعت‌گذاری در دین و مکتب اهل‌بیتؑ است و یا به مرور زمان اکثر روزها و شب‌های سال مصادف با مناسبتی می‌شود و مردم روز و شب خالی از مناسبت پیدا نمی‌کنند و این هم مصداق افراط و تفریط است و تبعات منفی دیگر ... لذا پیشنهاد می‌شود و چه بسا باید گفت لازم است که یکی از مراکز علمی یا فرهنگی با تنظیم نامه‌ای پیرامون سوالات مختلف و لازم پیرامون عزاداری و محدوده آن از رهبر معظم انقلاب استفتاء نمایند تا تکلیف شرعی و اجتماعی متدینین و عزاداران روشن گردیده و جامعه مذهبی از این تشتت و پراکندگی به وحدت و یگانگی برسند و همچنین از بدعت‌هایی که توسط غافلان یا جاهلان و حتی مغرضان جعل می‌شود جلوگیری گردد.

وظیفه این است که به نظر مرجع و فقیهی عمل کنیم و تسلیم شخصی شویم که پرچم شیعه به دست او باشد و علمدار است کما اینکه در طول غیبت کبری بزرگان شیعه بر همین اساس عمل می‌کردند.

لزوم وحدت در مراثی فاطمیه

یکی از مواردی که توسط رهبر فرهیخته ارائه نظر شده و با عزاداری مخصوصا مقتل و مرثیه فاطمیه ارتباط مستقیم دارد تاکید ایشان بر لزوم و وجوب وحدت بین اهل سنت و شیعیان و دامن نزدن به اختلافات موجود بین آنهاست رهبر انقلاب هم در استفتائاتی که از ایشان شده و هم در سخنرانی‌هایشان تصریح کرده و چه بسا حکم کرده‌اند که دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی حرام و خیانت به هر دو مذهب است لعن کردن و اهانت کردن به بزرگان هر دو مذهب حرام است و خیانت. این فتاوا و نظرات صریح ایشان با سبک عزاداری حضرت زهراؑ ارتباط دارد از جمله اینکه در شیوه خواندن مقتل و مراثی حضرت زهراؑ باید تجدید نظر شود و نباید به شیوه‌ای که از قدیم خوانده می‌شد اجراء گردد و آن این است که مرثیه‌خوان لازم است تمام ابعاد مرثیه فاطمیه اعم از اتفاقات کوچه بنی هاشم یا آنچه بین در و دیوار اتفاق افتاد و یا اینکه چند بار هجوم به خانه حضرت زهراؑ صورت گرفته و مسئله سیلی خوردن حبیبه خدا و ... را از منابع مستند و معتبر ارائه کند لکن نباید نام بزرگان مورد احترام اهل سنت را در حادثه ببرد و به تعبیر دیگر مرثیه‌خوان باید فعل را بگوید اما فاعل را نگوید، حادثه را بگوید اما عامل حادثه را معرفی نکند یعنی وقتی مرثیه کوچه را نقل می‌کند بگوید فاطمه زهرا به توصیه امیر المومنین نزد خلیفه رفت و نوشته‌ای مبنی بر بازگشتن فدک به خودشان گرفت وقتی از مسجد بیرون آمد ملعونی حضرت را دید در حالی‌که نامه در دست دارد فهمید نامه فدک است لذا «وطلب الکتاب منها فامتنعت ... فرفسها برجله ثم لطمها»[10] نامه را از حضرت طلب کرد اما حضرت تحویل نداد، ملعون نامه را به زور گرفت و اول آب دهان به نامه انداخت و نامه را پاره کرد سپس با لگد به سینه حضرت زد و سپس با سیلی به صورت مبارک ناموس دهر زد این‌ها را مرثیه‌خوان نقل کند اما اینکه عامل حادثه یا فاعل این افعال و اعمال که بوده اســت را نباید بگوید. نقل اینکه یک ملعون این کارها را کرده است اشکال ندارد چون بر اساس آیات قران و تصریح فرمایش نبی اعظمﷺ «هر کس فاطمهؑ را اذیت کند ملعون است مگر پیغمبر نفرمود: هر کس فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده و هر کس خدا را اذیت کند ملعون است»[11] این تعابیر را می‌توان ذکر کرد چرا که همه مسلمین قبول دارند کما اینکه این روایت در کتب معتبر اهل سنت هم ذکر گردیده است و یا مرثیه‌خوان می‌تواند به جای کلمه ملعون از کلمه دشمن استفاده کند و این‌طور بگوید: وقتی فاطمهؑ از مسجد بیرون آمد یکی از دشمنان، حضرت را دید و چنین بی‌حرمتی‌هایی کرد و لکن لزوم ندارد نام آن دشمن را ذکر کند و یا گفتن اینکه بین در و دیوار

چه بلاهایی بر سر فاطمه زهرا﵂ آوردند اشکال ندارد، یا نقل این‌که با لگد به در خانه زدند باید ذکر شود اما اینکه آنکس که لگد زد چه کسی بود یا چه کسی بین در و دیوار ظلم کرد را نباید معرفی کند چون اختلاف شیعه و اهل سنت بر سر نام افراد نیست بلکه ظلم‌هایی که به فاطمه زهرا﵂ کردند اهم است، خیانت‌هایی که کردند اهم است اما اینکه نام ظالمین و خائنین چه بوده قطعا اهم نیست و یکی از شواهد اهم نبودن نام افراد، روایتی است که از حضرت صادق﵇ نقل گردیده کما اینکه در قبل هم به آن اشاره گردید و در بخشی از آن آمده که خداوند متعال در یکی از مهم‌ترین سفرهای معراج به حبیب خود پیغمبرﷺ فرمود: امت تو عترت تو را می‌کشند از جمله اشاره به کیفیت شهادت حضرت زهرا می‌کند: «و اما ابنتک فاطمه فتظلم و تحرم و تضرب و هی حامل و یدخل ببیتها بغیر اذنها ... اما دخترت فاطمه به او ظلم می‌شـــود و از حقش محروم می‌شـــود و در حالیکه باردار است زده می‌شود و بدون اجازه او وارد خانه‌اش می‌شوند[۱۲]» همانطور که معلوم است به کتک خوردن و محروم شدن از حق و ورود بدون اجازه به خانه حضرت زهرا تصریح شده لکن اینکه چه کسی این ظلم‌ها را کرده هیچ اشاره‌ای نشده است و این یکی از مهمترین شواهد است که مرثیه‌خوان نباید عامل و فاعل ظلم‌ها به اهل‌بیت﵈ را نام ببرد این مهمترین نکته در سبک مرثیه‌خوانی و مقتل‌خوانی و بطور کلی عزاداری ایام فاطمیه است که لازم است سخنرانان و مرثیه‌خوانان معظم و معزز در هر شهر و منطقه از جهان حضور دارند توجه نمایند و بعضی تصور ننمایند که این شیوه مرثیه‌خوانی مربوط به مناطقی است که شیعه و سنی در کنار هم زندگی می‌کنند، می‌باشد و ربطی به مناطق خاص شیعه‌نشین ندارد چرا که امروزه بر همگان معین است دنیای کنونی را دهکده جهانی نام می‌برند و هیچ کجای جهان امن نیست تا هر کس هر طور بخواهد نظر دهد و هر طور بخواهد دشمنان خود را نام ببرد چه سیستان و بلوچستان باشد چه کردستان باشد چه تهران باشد و چه قم باید مراعات کرد. نکته مهم دیگری که توجه به آن لازم است را با ذکر خاطره‌ای متذکر می‌شویم: یکی از دوستان می‌گفت: وقتی مشرف شدم مکه با یکی از اهل‌سنت بحث کردم او می‌گفت شیعیان باید بدانند که همان‌گونه که شیعیان امامان خود را نزد فرزندان بزرگ جلوه می‌دهند و فرزندان خود را با عشق و محبت و احترام خاص برای امامان تربیت می‌کنند اهل‌سنت هم فرزندان خود را با عشق و ارادت و احترام ویژه به خلفاء تربیت می‌کنند اگر شیعه می‌خواهد طرفداران اهل‌بیت را زیاد کند مطمئنا با لعن و اهانت و نفرین به بزرگان مورد احترام اهل سنت نمی‌تواند حتی یک نفر را جذب کند چون در آن صورت به مقدسات اهل سنت توهین کرده است لذا باید همانطور که امام صادق﵇ فرمودند: «جروا الینا کل موده»[۱۳] یا در کلام



دیگری فرمودند: «کونوا لنا زینا و لا تکونوا علینا شـینا برای ما زینت باشید نه مایه بی آبرویی ما»[۱۴] باید با محبت کردن به برادران و خواهران اهل‌سنت آنها را به مکتب نورانی اهل‌بیت علیهم‌السلام جذب نماییم. ان‌شاءالله پروردگار عالم همه بزرگان و موثرین در عرصه تبلیغ را در ارائه بهترین روش‌ها و شیوه‌های تبلیغ معارف مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام موفق گرداند.

پانویس:

۱- بحارالأنوار / ج: ۴۵ / ص: ۵۹
۲- بحار الانوار / جلد ۱ / صفحه ۲۰۰ و ج ۴۴ / ص ۲۷۸
۳- وسایل الشیعه/جلد۱۴/ص۵۰۲ و الامالی صدوق/مجلس ۲۷ / ص ۱۲۹
۴- کامل الزیارات / باب احادیث نادره / حدیث ۱۱
۵-۶-۷- بحار الانوار / جلد ۲۹ / ص ۲۲۰ و الطرائف /جلد ۱ / ص ۲۶۳
۸- وسائل الشیعه / جلد ۲۷ / باب ۱۱ / ص ۱۴۰
۹- روضه الواعظین / جلد ۱ / ص ۱۶۹ و بحار / جلد ۴۴ / ص ۲۸۳
۱۰- الاختصاص / ص ۱۸۵ و بحار / جلد ۲۹ / باب ۱۱ / ص ۱۹۲
۱۱- بحار / جلد ۳۱ / ص ۳۸۰
۱۲- کامل الزیارات / باب احادیث نادره / حدیث ۱۱
۱۳- مستدرک الوسائل / جلد ۸ / ص ۳۱۴
۱۴- الکافی / جلد ۲ / ص ۷۷

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

***

در **فانوس**، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

۱۵۴۲ ۰۰۰ ۳
۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org